

## معرفی کتاب

### «سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه»

کیان تاجبخش (به کوشش)، افشین خاکباز و حسن پویان (تهران: شیرازه، ۱۳۸۴، ۲۰۴ صص (رقعی)).

دکتر اصغر افتخاری\*

«سلطه در عام‌ترین معنای آن یکی از مهم‌ترین عناصر کنش اجتماعی است. البته چنان نیست که هر شکلی از کنش اجتماعی ساختار سلطه‌جویی را جلوه‌گر سازد. اما در اکثر انواع کنشهای اجتماعی، سلطه نقش شایان توجهی ایفاء می‌کند. حتی جایی که در نخستین نگاه این امر آشکار نیست!» (وبر، ۱۳۷۰، ص ۴۵).

این پرسش که «چگونه است که پاره‌ای از بازیگران در تعریف کنشهای سیاسی-اجتماعی شان توفیق به نسبت بیشتری از دیگران دارند»، از جمله سؤالهای محوری و اصلی سیاست عملی است که تاکنون طیف متنوعی از نظریات در پاسخ به آن تولید و عرضه شده‌اند (نک. خالقی، ۱۳۸۲). شاید چنان که «ماکس وبر» (Max Weber) اظهار می‌کند: حد مشترک تمامی این نظریه‌ها را «قدرت» شکل می‌دهد؛ بدین معنا که بهره‌مندی از قدرت و توان اعمال قدرت بیشتر است که چگونگی رفتار دیگر بازیگران را مشخص می‌سازد. به همین سبب است که عموماً سیاست را به علم قدرت تعریف می‌کنند و تصور عموم نخبگان به آن است که فهم، تحلیل و عملکرد سیاسی بدون عطف توجه به قدرت اصولاً آبر است (مورگنتا، ۱۳۷۹، صص ۴۵-۵۴).

---

\* استادیار و ریس مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع)

گرچه واقع‌گرایی (realism) توانست مستند به تجارب تاریخی، مدعیات خود را به میزان زیادی تأیید کند، این انجام نظریه‌پردازی در ارتباط با حوزه عمل سیاسی نبود و ظهور تعداد زیادی از موارد نقض برای نظریه «اتکای صرف به قدرت»، زمینه را برای بازاندیشی در این تصویر عمومی فراهم ساخت؛ تا آنجا که تلاش برای بازتعریف «قدرت» و بنای چارچوب نوینی برای تعریف و تحلیل قدرت به ضرورتی بدیهی تبدیل شد (نک. کلک، ۱۳۷۹، صص ۴۲۸-۴۳۵). با این حال، هنوز هم همصدا با «میشل فوکو» (Foucault, 1980) می‌توان اظهار داشت که مشکل مرتفع نشده و «قدرت» برای «توفیق» در عرصه عمل نیازمند بهره‌مندی از منابع جدیدی است. شاید مهم‌ترین تلاش برای پاسخ‌گویی به این نیاز خلق مفهوم «سرمایه اجتماعی» (social capital) باشد.

توجه بسیار به این مفهوم جدید، صرفاً بیانگر یک تفنن نظری یا یک بازی زبانی پیچیده نیست بلکه حکایت از تکوین و ظهور مؤلفه‌هایی تازه در حوزه تحلیل و تعریف کنشهای سیاسی- اجتماعی دارد که بدون توجه به آنها حتی نمی‌توان به تلقی‌ای صحیح، جامع و کارآمد از «قدرت» دست یافت. با عنایت به همین موضوع است که در نوشتار حاضر، به بررسی یکی از آثار مرجع در بحث «سرمایه اجتماعی» پرداخته‌ایم.

### الف. کلیات

کتاب «سرمایه اجتماعی» در بردارنده ۱۹ مقاله (اعم از تألیف و یا ترجمه) است که در موضوع «اعتماد»، «دموکراسی» و «توسعه» با نگاه ویژه به مقوله سرمایه اجتماعی به کوشش آقای کیان تاجبخش گردآوری، ترجمه و یا تألیف شده‌اند. تاجبخش فارغ‌التحصیل رشته توسعه اقتصادی است که از دانشگاه کلمبیای نیویورک در سال ۱۹۹۲م. موفق به اخذ درجه دکتری شده است. وی از سال ۱۳۸۱ در دانشگاه تهران مشغول تدریس است و به دلیل علاقه‌ای که به موضوع سرمایه اجتماعی دارد، نسبت به ترجمه یا تألیف مقالات حاضر همت گمارده است. چنان که تاجبخش در مقدمه اثر اظهار می‌دارد، این اثر با هدف ارائه یک متن تخصصی- کمکی در موضوع سرمایه اجتماعی برای اساتید، دانشجویان و محققان فارسی‌زبان تهیه شده است و در کنار کتاب

اصلی پاتنام<sup>۱</sup> می‌تواند منبعی مرجع و کامل برای ورود به حوزه مطالعاتی «سرمایه اجتماعی» ارزیابی شود.

مقالات نوزده گانه کتاب در چهار بخش تنظیم شده‌اند و سعی شده ضمن آشنایی با مفهوم و نظریه‌های سرمایه اجتماعی، روش سنجش سرمایه اجتماعی، انتقادات و کاربردهای آن برای خواننده بیان شود. کتاب دارای فهرستهای اعلام و منابع است. با توجه به تعدد مقالات در ادامه مهم‌ترین محورهای اثر معرفی می‌شوند.

### ب. سرمایه اجتماعی به مثابه یک نظریه

در بخش نخست تلاش می‌شود که بنیادهای نظری سرمایه اجتماعی برای خواننده تبیین شود. برای این منظور گذشته از دو مقاله که به قلم تاجبخش تهیه شده، مقالات مهمی به قلم کلمن و پاتنام ترجمه نیز شده‌اند که در مجموع تصویر جامعی از سرمایه اجتماعی را به خواننده ارائه می‌دهد.

۱. در مقاله اول تاجبخش با بر شمردن ویژگیهای اصلی «سرمایه» در منطق اقتصادی (مشمول بر اصل مالکیت سودمندی و کاهش به واسطه استفاده از آن)، تأکید می‌کند که سرمایه اجتماعی اصطلاحی استعاری و با کاربرد خاص است که در روابط یا شبکه‌های خود با دیگران آن را ایجاد و به کار می‌بریم.

۲. جیمز کلمن از سرمایه اجتماعی به مثابه روشی برای پژوهش اجتماعی سخن می‌گوید و این رویکرد با رشته مطالعاتی وی (جامعه‌شناسی) در ارتباط نزدیک است. از این منظر، سرمایه اجتماعی دارای عناصر متعددی است که وجه مشترک تمامی آنها عبارت است از: اولاً، تمام عناصر سرمایه اجتماعی در ساختار روابط میان کنش‌گران نهفته هستند؛ ثانیاً، این عناصر تسهیل‌کننده کنشهای اجتماعی هستند. در ادامه کلمن به ویژگیهای منحصر به فرد سرمایه اجتماعی اشاره دارد و نشان می‌دهد که این سرمایه به مثابه سرمایه اقتصادی یا انسانی عمل نمی‌کند؛ لذا اطلاق عنوان «کالای عمومی» (public good) به آن چندان صحیح نمی‌نماید.

کلمن با ذکر انواع سرمایه اجتماعی، مقاله خود را به پایان می‌برد. مهم‌ترین منابعی که تولیدکننده این سرمایه هستند، عبارت‌اند از: تکالیف، انتظارات، و قابلیت اعتماد

ساختارها؛ دسترسی به اطلاعات؛ وجود هنجارهای نیرومند و کارآمد؛ ساختارهای اجتماعی کارآمد؛ و سازمان اجتماعی قابل دسترس. سرمایه اجتماعی با این تعریف در سطح خانواده و خارج از آن قابل بررسی است و نویسنده به صورت مبسوط به شناسایی و تعریف گونه‌های مختلف سرمایه اجتماعی و کارکرد آنها اهتمام ورزیده است.

۳. سومین مقاله به قلم رابرت پاتنام که در این حوزه شهرتی تمام دارد، اختصاص یافته است. پاتنام ضمن مرور دیدگاه‌های پیشین خود، نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی چیزی بیش از جمع جبری عناصر تشکیل‌دهنده آن است که معمولاً به آن عطف توجه می‌شود. وی برای تأیید این معنا به بررسی مسائل ایتالیا، آمریکا و برخی دیگر از کشورهای سرمایه‌داری غربی همت گمارده و در نهایت نتیجه می‌گیرد: اولاً، سرمایه اجتماعی از طریق و به همراه دولتها و بازارها کار می‌کند و نه به جای آنها؛

ثانیاً، سرمایه اجتماعی در اثر اتخاذ سیاست عاقلانه تولید می‌شود و به افزایش تأثیرگذاری سیاستها کمک می‌کند. این مقاله با ترجمه مصاحبه‌ای که تاجبخش با پاتنام در سال ۲۰۰۲م. انجام داده، پی گرفته شده است و محورهای مذکور، در گفتگوی مصاحبه‌گر و پاتنام به تصریح آمده‌اند.

۴. پیر بورديو، جامعه‌شناس فرانسوی با طرح بنیادین مقوله «سرمایه» و تلاش برای تبیین چیستی آن، گام بزرگ و مؤثری در شناخت «سرمایه اجتماعی» برداشته است. از دیدگاه مؤلف:

اولاً، سرمایه اجتماعی اشکال مختلف دارد (فرهنگی، اجتماعی، مالی) (اصل تنوع)؛ ثانیاً، اشکال مختلف سرمایه اجتماعی قابل تبدیل به یکدیگر هستند (اصل تبدیل)؛ ثالثاً، سرمایه اجتماعی یک ابزار در خدمت افراد یا طبقات است تا بتوانند به منافع اقتصادی خود برسند. در نتیجه، تعریف او از سرمایه اجتماعی عبارت است از: «جمع منابع واقعی یا بالقوه حاصل از شبکه بادوام روابط کمابیش نهادینه‌شده‌آشنایی و شناخت متقابل» (ص ۱۴۷).

۵. مقاله فوکویاما را بیشتر باید در باب اهمیت کاربردی دموکراسی در جوامع مدرن قلمداد کرد؛ چرا که به زعم وی سرمایه اجتماعی زمینه شکل گیری یک دموکراسی باثبات را از حیث فرهنگی فراهم می آورد؛ لذا «سرمایه اجتماعی را شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار رسمی» می داند که «باعث ترویج همکاری بین او و یا چند فرد می شود» (ص ۱۷۰). کاهش هزینه، افزایش کارایی، توسعه پیوستگیها، کوچک سازی دولت و... از جمله کاربردهایی هستند که فوکویاما در این مقاله به آنها اشاره دارد. طرح منبع سرمایه اجتماعی و پیشنهاد روش سنجش آن، دو مقوله ای هستند که در پایان مقاله به آنها پرداخته شده است.

۶. آفه در مقاله خود به طرح مسئله «اعتماد به شهروندان» می پردازد و برای تبیین چگونگی برقراری اعتماد، استدلالهای سه مرحله ای را عرضه می دارد:  
 گزاره اول، بنیادها و نظم اجتماعی در جوامع مدرن بر پول، اقتدار و دانش استوار است؛

گزاره دوم، آرمان ناشی از عملکرد سه رکن بالا، در بهترین حالت ناقص و جوابگوی همه نیازها نیست؛  
 گزاره سوم، بین لوازم و مقتضیات آرمانهای سه گانه بالا نیز در عمل تعارضاتی وجود دارد.

در نتیجه، سرمایه اجتماعی می آید تا اولاً، به آرمان نظم اجتماعی سامان دهد؛ ثانیاً، کارآمدی الگوی نظم را افزایش دهد و ثالثاً، به کاهش تعارضات درونی کمک کند. مجموع این سه فرآیند را آفه در مفهوم و نظریه «اعتمادسازی» خلاصه کرده است.

۷. مقاله پایانی بخش اول مربوط به «مک کلنن» است که بحث مفهومی آفه را توسعه و ادامه داده است. او نیز با اشاره به نقش سازنده اعتماد در حوزه اقتصاد، کارکردهای مؤثر آن را برشمرده است. توجه به راههای ایجاد اعتماد از نقاط برجسته این مقاله است.

### ج. رویکردی انتقادی

کاربرد رو به توسعه مفهوم «سرمایه اجتماعی» دلالت بر پذیرش مطلق آن ندارد بلکه بخش قابل توجهی از متون تولیدشده ناظر بر اصلاح و نقد آن است که مهم‌ترین آنها در بخش دوم اثر، ترجمه و ارائه شده‌اند. از جمله مهم‌ترین انتقادات واردشده بر سرمایه اجتماعی می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

#### یک. یکسویه‌نگری

طرح مفاهیم تازه و جذابی چون سرمایه اجتماعی پیوسته این نقیصه را در پی دارد که به ابعاد و ملاحظات منفی آن کمتر توجه شده است. در خصوص سرمایه اجتماعی به نظر می‌رسد عمده نویسندگان به ظرفیتهای مثبت آن توجه دارند و به همین دلیل، به تبعات منفی آن کمتر توجه شده است.

#### دو. شأن ابزاری و جمعیتی

شأن ابزاری و جمعیتی سرمایه اجتماعی، منجر به تضعیف ابعاد فردی حیات بازیگران در جامعه می‌شود؛ به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی بر مقولاتی چون آزادی، اختیار و... سایه افکنده و آنها را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

#### سه. توسعه مرزهای مفهومی - کاربردی

توسعه مرزهای مفهومی - کاربردی سرمایه اجتماعی به ورای مرزهای فردی، به دلیل نقد و تضعیف بنیادهای فردگرایانه لیبرالیسم، می‌تواند به تحول مفهوم لیبرالیسم و تضعیف اعتماد عمومی به قابلیت‌های این مکتب شود؛ لذا سرمایه اجتماعی می‌تواند کارکردی ضدلیبرالیستی نیز بیابد که مطلوب اندیشه‌گران لیبرال نیست.

#### چهار. عدم سنجش با روش علمی

سرمایه اجتماعی از حیث تجربی با روشی کارآمد و علمی سنجیده نشده است؛ به عبارت دیگر، مشخص نیست که مثلاً افزایش مشارکت عمومی به افزایش سرمایه

اجتماعی کمک کرده است، یا بر عکس. طبعاً نویسندگان عموماً افزایش سرمایه اجتماعی را دلیل اصلی دانسته‌اند که برای آن شواهد و مؤیدات کافی در دست نیست.

### پنج. تقویت و ترویج محافظه‌کاری در مقام تحلیل و تجویز رفتارهای اجتماعی

تقویت و ترویج محافظه‌کاری در مقام تحلیل و تجویز رفتارهای اجتماعی، پیامد اصلی توجه به الگوی تحلیلی «سرمایه اجتماعی» است؛ چرا که ابعاد روان‌شناختی را به شبکه‌های اجتماعی - سیاسی روابط اولویت می‌بخشد.

### شش. پیوند شدید تجربه اروپا از لحاظ کاربردی

از حیث روشی سرمایه اجتماعی شدیداً به تجربه اروپایی پیوند دارد و لذا مانع جدی‌ای برای توسعه حوزه کاربردی آن وجود دارد.

محورهای ششگانه بالا در مقالات بخش دوم کتاب به صورت مبسوط، و به تکرار و در قالب نگارشهای مختلف، بیان شده‌اند. برای مثال، «پورتس» (Portes) آن را مفهومی بدیع از حیث جامعه‌شناختی ارزیابی نمی‌کند. نقد وی از مجموع مقالات بخش اول کتاب (بورديو و پاتنام) مؤید این معناست که «سرمایه اجتماعی» روایتی یکسویه‌نگرانه از مفاهیم سنتی‌ای چون اعتماد است. نکته دیگر نقد پورتس به عناصر سرمایه اجتماعی است که نشان می‌دهد تعریفی مبهم و کلی، مبنای تعریف سرمایه اجتماعی قرار گرفته است. این انتقاد در ارتباط با منابع سرمایه اجتماعی نیز جاری و صادق است.

«سامونل بولز» با قدری تسامح ایده سرمایه اجتماعی را در عرصه سیاست، کارآمد و ضروری ارزیابی می‌کند؛ اما از منظری زبان‌شناسانه و معناشناسانه، آن را واژه‌ای بسیار نامناسب و نادرست می‌خواند.

«ادواردز» و «فولی» در سومین مقاله این بخش کاربرد سرمایه اجتماعی را در جوامع مدرن مورد بررسی و پرسش قرار می‌دهند. به زعم ایشان «سرمایه اجتماعی» سرنوشتی چون مفهوم «جامعه مدنی» دارد که بدفهمیها از آن بسیار است و در عمل، به دلیل عدم لحاظ کردن نقش فرهنگ و اخلاق، تأثیر خاصی را نتوانسته به جای گذارد؛ به عبارت دیگر، خلق این مفاهیم فقط گریزگاهی برای رهایی از خلأهای مربوط به

الگوهای مهمی چون انتخاب عقلانی تولید می‌کند؛ ولی الگوی بدیلی برای عمل نشان نمی‌دهد.

«علیه سرمایه اجتماعی» به قلم «دورلاف» (Durlauf) در واقع، بیانیه‌ای صریح در نقد این مفهوم است که عمده محورهای یادشده در آن آمده‌اند. ابهام در معنا، داشتن ابعاد و کارکردهای منفی و تبعات منفی سرمایه اجتماعی در این نوشتار کوتاه به اشارت آمده‌اند.

مقاله «سابتی»، مقاله پایانی این بخش، در واقع، کتاب «دموکراسی و سنتهای مدنی» پاتنام را نقد و بررسی کرده است. برای این منظور نخست، وی به سنتی که کتاب پاتنام در آن رویداده اشاره دارد و سنت قرون وسطایی آن را آشکار می‌سازد و در ادامه با تحلیل تاریخی رخدادهای تجربه‌شده در ایتالیا، نشان می‌دهد که پاتنام چه برداشتهای غلطی از تاریخ ایتالیا داشته که در نهایت، وی را به تولید مفهوم سرمایه اجتماعی رهنمون شده است.

مقاله «گریشنا» را باید نقدی روش‌شناسانه به دیدگاه پاتنام دانست؛ چرا که تجربه هند نشان می‌دهد که کاربرد این مفهوم با تحولات سیاسی-اجتماعی این جامعه اصلاً همخوانی ندارد.

#### ۵. مطالعات موردی

آخرین بخش از کتاب در بردارنده مقالاتی است که به بررسی تجربه‌های انجام‌شده در قالب الگوی تحلیلی سرمایه اجتماعی اشاره دارد. مقاله «ولکاک» و «فاریان» بسیار در خور توجه است و مستند به تجارب «بانک جهانی» نشان می‌دهد که «الگوی تحلیلی سرمایه اجتماعی» در ابتدای راه توسعه و پژوهش قرار دارد و لازم است که به غنای علمی-کاربردی آن افزوده شود. «ریچارد رز»، از ابعاد مثبت و منفی این الگوی تحلیلی مطابق با تجربه روسیه سخن گفته است.

«مرنیسی» این الگو را در باب شرایط «مراکش» به کار برده است. مقاله «ونیسترا» بحث «تندرستی و برابری درآمد» را در منظری فراملی مطرح و ظرفیت کاربردی الگوی تحلیلی سرمایه اجتماعی را سنجیده است.



### جمع بندی

کتاب سرمایه اجتماعی در یک نگاه کلان از وجوه زیر در خور نقد (سلبی و ایجابی) است:

۱. بداعت موضوع: با عنایت به فقر نسبی متون موجود در این حوزه، به نظر می‌رسد که انتشار این اثر در خور توجه است و زمینه توسعه مطالعاتی- کاربردی آن را فراهم می‌سازد.

۲. سلامت ترجمه: اثر حاضر از ترجمه‌ای روان و متنی کم‌غلط برخوردار است که مطالعه آن را آسان می‌سازد.

۳. جامعیت اثر: با توجه به استفاده از روش ترجمه و تألیف، در مجموع اثری یکدست و جامع فراهم آمده است که ابعاد مختلف نظری، کاربردی و حتی انتقادی آن را شامل می‌شود. همین امر اثربخشی آن را، به عنوان یک اثر آموزشی، افزایش می‌دهد.

۴. ضعف ساختاری: ساختار بندی اثر نیازمند تأمل بیشتری است؛ برای مثال، مقالات یکدست نیستند و درج چکیده و نتیجه‌گیری در همه آنها رعایت نشده است. از سوی دیگر، تقسیم بندی مقالات به صورت مناسبی نیست؛ برای مثال، مقاله کرشنا می‌توانست در بخش انتقادات باشد و مقاله «ولکاک» طبعاً می‌بایست در بخش اول کتاب قرار می‌گرفت. افزون بر اینکه این آشفتگی در پیشگفتار اثر نیز ملاحظه می‌شود و اصولاً به یک بخش از کتاب اصلاً اشاره‌ای نرفته است.

در مجموع، کتاب حاضر به عنوان یک اثر در خور توجه در بحث از سرمایه اجتماعی مطرح است که در طرح ایده بومی این مفهوم می‌توان، و بایست، به آن توجه داشت.

## یادداشتها

## 1. Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy

این کتاب توسط انتشارات وزارت کشور، با عنوان «دموکراسی و سنتهای مدنی» به قلم آقای دلفروز، ترجمه و منتشر شده است.

کتابنامه

- خالقی، احمد (۱۳۸۲). قدرت، زبان، زندگی روزمره. تهران: گام نو.
- کلک، استوارت. آر. (۱۳۷۹). چارچوبهای قدرت. مصطفی یونسی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لوکس، استیون (ویراستار) (۱۳۷۰). قدرت. فرهنگ رجایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مورگنتا، هانس. جی. (۱۳۷۹). سیاست میان ملتها. حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- Foucault, M. (1980). *Power / Knowledge*. (edited by) C. Gordon. Brighton: Harvester Press.